

اشاره

در این شماره سه مطلب بنظر رفقا میرسد :

۱ - تحلیلی کوتاه از وضع کنونی حاکمیت پس از انتخابات ریاست جمهوری . این تحلیل برای درک موقعیت و جلوگیری از توهمات میتواند موثر باشد .

۲ - متنی در مورد دموکراسی . این نوشته سه سال پیش بعنوان جمعبندی نظرات سازمان بعنوان تدارک یک بیانیه عمومی برای چپ ایران تهیه شد و همزمان با نظرخواهی درون سازمانی بنظر اعضا و هواداران سازمان در خارج از کشور هم رسیده و عمده مطالب مورد ایراد تصحیح شده است . بنا بر این میتوان گفت که نظر عمومی سازمان است .

در مورد قسمت اعظم مطالب این نوشته در طول حیات سازمانی بارها مقالات کوتاه و بلند نوشته شده است . آنچه در اینجا بنظر خوانندگان میرسد ارائه یک جمعبندی است و نیز پایه‌ای برای بحث و تبادل نظر با سایر سازمانهای چپ .

اکنون که ابراز اعتقاد به ضرورت دموکراسی - گاه اعتقاد واقعی و گاه بصورت ضرورت مرحله‌ای - از طرف بخش وسیع تری از چپ عنوان میشود (که بهر حال گامی است به پیش) ، بحث وسیع در مورد آنچه که از دموکراسی مستفاد میشود میتواند هم به تعمیق این اعتقاد کمک کند ، هم ایرادات آنرا مرتفع نماید ، و هم آنکه صفوف گروندگان مصلحتی را از معتقدین واقعی جدا کند . اینرا نیز میدانیم که یکی از راه‌های جلوگیری از این تفکیک ، اجتناب از درگیری در بحث است . بنا بر این ، این بعهده اعضاء و هواداران سایر سازمانهاست که علاوه بر راه انداختن این بحث در میان خود ، مسئولان را مجبور به ابراز موضع کنند . ما بر روی یکا یک مطالبی که عنوان کرده‌ایم مصر هستیم و از بحث وجدل حول یک یا همه مطالب آن استقبال میکنیم . با امید روزی که همه چپ ایران قادر به ابراز نظر رسمی و آشکار در مورد همه مطالب یاد شده ، و اساسا توضیح مواضع خود در ارتباط با آزادی و دموکراسی شود و ننگ چنددهه شهرت به استبداد منشی را از خود بزداید . اکنون که مردم ایران استبداد را در فرم سلطنتی و سپس اسلامی آن تجربه کرده‌اند و بحق از هر نوع استبداد و قلد رمنشی نفرت دارند ، رسیدگی به این امر و اعلام موضع نه صرفا یک ضرورت ایدئولوژیک که یک گام اساسی در جهت شناسائی چپ توسط مردم و پیشبرد اهداف آن است .

چپ ایران باید این اعتبار را کسب کند و مردم نیز نشان دهد که تنها
آلترناتیو دموکراتیک اجتماعی است.

۳ - مسئله تحولات اجتماعی در شوروی و سایر کشورهای " سوسیالیستی " بحدی رسیده است که سئوالهای بیشماری را برای همه مردم و بویژه نیروهای چپ بوجود آورده است. باید باین سئوال پاسخ داد. ما با آنکه بعزت قلت منابع دست اول ، خود را در بهترین موقعیت برای ابراز نظر نمیدانیم مع هذا نوشته ای را که بعنوان نقدیر " انقلاب دوم ، پره استرویکا " تهیه شده است بسطر رفقا می‌رسانیم . این نوشته برخلاف نوشته ی قبلی مراحل سازمانی را طی نکرده است و بنا بر این ممکن است رعائی با برخی یا همه ی مطالب آن موافق نباشند که طبعاً اگر تفاوتها یا اختلاف هائی وجود داشت بنظر خوانندگان خواهد رسید .

ضمناً باید گفته شود که این نوشته و نوشته "دموکراسی" بی ارتباط باهم نیستند و این موضوعی است که خوانندگان بدان توجه خواهند کرد . ما با آوردن این دو نوشته باهم میخواهیم اینرانیز نشان دهیم کسه برداشتها اردموکراسی - آنچه ما عنوان میکنیم و آنچه که اکنون در سطح جهانی عنوان میشود - چقدر میتواند متباعد باشند .

تحولات اخیر حاکمیت جمهوری اسلامی

بازیگران دیرین و توهّم زائی نافرجام

مرگ خمینی در اوّاسط خرداد امسال ، اگرچه عواقب مــــورد انتظار را بدنبال نداشت ولی آغاز مرحله‌ای جدید از حیات رژیم اسلامی بـــــــود و توده‌های مردم و نیروهای اپوزیسیون را در برابر شرایطی جدید و مسائلی نوین قرار داد .

اکنون با گذشت چند ماه از این حادثه ، شکل گیری نسبی حاکمیت و آغاز اجرای پاره‌ای از برنامه‌های حاکمیت جدید ، میتوان ، فارغ از ناروشنی‌های اولیه مشخصه‌های این مرحله‌ی جدید را ترسیم کرده و تصویر کم و بیش واضحی از آن چه در پیش روست ارائه داد .

سردمداران رژیم بــــاشتاب و یک شبه و در یک صحنه سازی مسخره توانستند قباى "رهبری امت اسلام" را به تن خا منـــــــهای کنند و بدون دغدغه و سنگ اندازی باندهای متخاصم بعد از مدت کوتاهی رئیس جمهور جدید را نیز به کرسی بنشانند . این دو حادثه نقش گرچه مهمی در تشبیت موقعیت حاکمان جدید داشت ، اما آنـــــــان هنوز نتوانسته‌اند برخلاف آنچه در ابتدا انتظار داشتند ، سایر مدعیان قدرت در صفوف خودی را از میدان بدرکنند .

باززترین مشخصه‌ی شرایط جدید ، تحول عمیق در ترکیب حاکمیت است . اگر تا قبل از مرگ خمینی و به دلیل حضور او جناحهای مختلف به نسبت کم و بیش مساوی در حاکمیت سهم داشتند ، اکنون یک جناح یا بهتر بگوئیم ائتلافی از جناحهای راست و میانه عرصه ترکنازی یافته

است. در ده سال اول حاکمیت رژیم اسلامی شاهد بندبازی تماشائی "رهبر کبیر انقلاب اسلامی" در بین جناحهای قدرت بعنوان متعادل کننده کشمکشهای درونی بوده ایم. او به این وسیله موفق شده بود با حمایت های بموقع از یک جناح در برابر فشارهای سایرین از دادن اختلافات جلوگیری کند و با استفاده از نفوذ بلامنازع در بین هوادارانش از اضمحلال نهائی یک جناح جلوگیری کند و همو به اعتقاد ما از عوامل عدم تثبیت سیاسی رژیم اسلامی بود. اکنون وضع عوض شده است. تیزبینی رفسنجانی و هم پیمانانش در انتخاب خامنه ای بعنوان رهبر جدید، در حالیکه اصلاحات قانون اساسی با هدف تمرکز قدرت در بین عده ای محدود جریان داشت، زمینه بسیار مناسبی را برای یکسره کردن تکلیف با سایرین فراهم میگرد. نشان دادن مهره ها در پست های حساس از همان روزهای اول بعد از مرگ خمینی با سرعت آغاز شد و هنوز کفن امام خشک نشده بود که دولت خدمتگزارش مجبور گردید غزل خدا حافظی را بخواند.

قوه قضائیه، یکی از ابزارهای حساس اعمال فشار بطور در بست در اختیار جناح راست قرار گرفت و پست های کلیدی آن بجز چند سمت محدود، تماما "توسط اعوان و انصار یزیدی اشغال شد. و با انتخاب رفسنجانی، کار دولت موسوی نیز یکسره شد و این اهم قدرت نیز از چنگ جناح رقیب خارج گردید. تنها مرکزی که هنوز کم و بیش در اختیار جناح رقیب قرار دارد، مجلس است که اکثریت قابل توجه آن را نمایندگان طیفهای مختلف جناح رادیکال تشکیل میدهند. (۱) رفسنجانی اگرچه سعی کرده از جناح رقیب نیز افرادی را در کابینه جدید قرار دهد ولی حساسترین مناصب را در اختیار هم نظران گذاشته و به این وسیله نبض تصمیمات هیات دولت را در اختیار گرفته است. تلاشهای جناح رقیب برای حفظ موقعیت از طریق مشارکت فعالتر در ارگانهای مشورتی بخصوص با استفاده از نفوذ سید احمد خمینی که در این میان اجبارا به پست متولی گری مرقد پیوسته

دلخوش کرده ، تاکنون بجائی نرسیده است . (۲) وهرسه ارگان مشورتی موجود (مجمع تشخیص مصلحت - شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و ...) باتقسیم اختیارات گسترده بین خامنه‌ای و رفسنجانی دارای آنچنان قدرتی نیستند که بتوانند بعنوان ابزاری برای مقاومت توسط رقیب بکار گرفته شوند . بااین وجود ائتلاف رفسنجانی - خامنه‌ای (۳) هنوز نتوانسته است فاکتورهای مزاحم را از سر راه خود بردارد . جناح رقیب که هنوز توهم بدست گرفتن قدرت را رها نکرده ، کماکان آنقدر توانائی دارد که بتواند موانع کم و بیش جدی بر سر راه اجرای سیاستهای دولت ایجاد کند . نگاهی به تریبون های در اختیار این جناح (کیهان ، ابرار و تاحدی جمهوری اسلامی) و سروصداهایی که گاه بگاه در مورد سیاستهای جاری دولت پیام میکنند و در مواردی موفقیت آنها در گذاشتن چوب لای چرخ حرکت دولت حکایت از قدرت این جناح دارد . بنظر میرسد که مهمترین مشکل برای کنار زدن این جناح ، وجود خیل عظیم آن دسته از کارگزاران رژیم در دستگاه اجرائی باشد که توسط دولت موسوی پستهای درجه دوم در وزارتخانه‌ها را اشغال کرده اند . این عده که باتغییرات جدید در مدیریت سیاسی ، منافع خود را بر باد رفته میبینند ، سعی دارند با استفاده از کلیه ابزارهایی که در اختیار دارند موقعیت خود را تحکیم بخشند . سروصداهای اخیر در مورد بازسازی دستگاه اداری ، بکارگماردن "مدیران لایق" و استفاده از "نیروهایی متخصص" بدل رفسنجانی و اعوان و انصار وی برای کنار گذاشتن این افراد است . بدل دیگر ، تدارک یک حمله حساب شده بسینه سردمداران این جناح است . اطلاعات موجود نشان میدهد که ائتلاف حاکم مشغول پرونده سازی برای افرادی است که بعنوان سخنگویان جناح رادیکال ، شناخته میشوند . از جمله گفته میشود که پرونده های مربوط به دزدی هادی غفاری در بنیاد الهادی (۴) حمایت آخوند بانفوذ نورمفیدی ، امام جمعه و نماینده ولی فقیه در گرگان و دشت از مهدی هاشمی در آستانه اعدام او از طریق

جمع آوری طلومار، اعدام های دسته جمعی و بدون محاکمه توسط خلخالی، دزدی های موسوی اردبیلی در دستگاه قضائیه و... بزودی مطرح خواهد شد. اما موفقیت رفسنجانی در کنار زدن نهائی رقبای بستگی کامل به موفقیت او در زمینه رفع حداقل موقت بحران کنونی دارد. رفسنجانی با وعده "تصحیح اشتباهات گذشته" و تحت حمایت یک موج عظیم تبلیغاتی در داخل و در خارج (توسط بنگاه های خیر رسانی بین المللی) بروی کارآمد. همزمانی انتخاب او با تغییرات قانون اساسی و تمرکز قدرت در دست عده ای اندک که آخرین ضربه به امیدهای معدود توهم زدگان نسبت به شورائی بودن مراجع تصمیم گیری در جمهوری اسلامی نیز بود، زمینه را برای یکه تازی او بیانش از پیش فراهم میکرد. رفسنجانی در عمل چند اقدام را بعمل آورد:

- ۱- بازسازی روابط خارجی و بویژه رابطه با کشورهای غربی که از بعد از ماجرای سلمان رشدی دچار وقفه شده بود.
 - ۲- رفع مشکل کمبود کالاهای اساسی از طریق واردات صدها هزار تن از این کالاها.
 - ۳- اتخاذ سیاستهای موقتی برای کاستن از فشار تورم.
 - ۴- ایجاد زمینه های برای کاهش تنش های داخلی از طریق تغییراتی در برنامه های رادیو و تلویزیون و برخی مطبوعات تحت کنترل او و کاهش بگیر و ببند های قداره بندگان کمیته چی در فشار به زنان و جوانان در سطح شهرها.
- در مورد اول، اگرچه رفسنجانی موفقیت هایی داشته ولی بدلیل مقاومت گسترده جناح رقیب هنوز نتوانسته به برنامه های خود کاملاً جامه ای عمل بپوشاند. روابط با آمریکا و انگلیس و عربستان سعودی که در هفته های اول انتخاب رفسنجانی زمره های آمادگی برای بهبود آن توسط بلندگوهای درجه دوم حاکمیت سرداده شد، هنوز تیره است و با برخی کشورهای دیگر نیز بسیار باکندی پیشرفت میکند. در زمینه رفع مشکل کمبود کالاها اگرچه در هفته های اخیر گشایش

اعتراضات بحق توده‌های مردم را سازمان دهد و این هر دو راه‌همزمان به سرانجام برساند.

از اینرو به اعتقاد ما، امید به " فضای باز سیاسی " تحسنت قیومیت رفسنجانی و خامنه‌ای فقط توهمی از فرط ناامیدی است. ابراز نظرهای برخی عناصر وابسته به اپوزیسیون سلطنت طلب و غیره در این مورد اگر تحت القائات محافل امپریالیستی صورت نگرفته باشد، صرفاً میتواند ناشی از ارزیابی‌های عناصری کندذهن از واقعیات اوضاع سیاسی ایران ورژیم اسلامی باشد. انتخاب مجدد لاجوردی، جلاد اوین، به ریاست سازمان زندانها بایستی خوشبین‌ترین متوهمین راهم به فکر و داشته باشد.

حاکمیت اسلامی اگر بتواند و تمامی تلاش خود را با استفاده از کلیه امکانات موجود بکارگیرد حداکثر میتواند محل امنی برای جولان سرمایه‌داران داخلی و خارجی و رفاهی محدود برای گروه‌های معینی ایجاد کند. و این طبعاً با خواست واقعی توده‌های مردم و نیروهای اپوزیسیون مترقی فرسنگها فاصله دارد. در ماه‌های اخیر ذره‌ای از میزان سرکوب‌رژیم نسبت به نیروهای مترقی نه تنها کاسته نشده بلکه باز گذاشتن دست وزارت اطلاعات برای ضرب و شتم مخالفین تحت عناوین مختلف از جمله اطلاعیه اخیر دادستانی در مورد " مبارزه قاطعانه " با زنان " بدحجاب " و پیداشدن سروکله او باش‌کمیته در خیابانها در معیت "خواهران زینب" ایجاد مزاحمت برای زنان و نیز جوانان تحت عنوان " دستگیری ولگردها " زمینه را برای یک هجوم سرتاسری جهت محو آخرین منفذهای تنفس فراهم کرده است.

با مرگ خمینی و تحولاتی که در راس قدرت بعد از آن بوقوع پیوست، انتظار برای بروز بحران در حاکمیت که میتواند زمینه‌ساز آغاز یک بحران سیاسی عمیق در رژیم اسلامی باشد، کمتر موجه می‌نماید و بنظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک، مسئله‌ی حادتری بتواند رژیم را با بحرانی شکننده روبرو سازد. این قطعاً با توجه

به داده‌های کمی اعتبار دارد و گریه امکان بروز حوادثی که منجر به تحولاتی عمیق گردد، در رژیم‌هایی از نوع رژیم اسلامی همسواره وجود دارد. چنین حوادثی امانه تنها قابل پیش‌بینی نیستند، بلکه اپوزیسیون نیز نمیتواند و نباید برنامه خود را در قیاس با سایر پیروز چین حوادث احتمالی تنظیم کند.

به این ترتیب در شرایط کنونی مهمترین وظیفه فراروی نیروهای انقلابی و مرفعی، برنامه‌ریزی برای مبارزه‌ای منسجم و درازمدت، با آموختن از تجربیات گذشته است. اپوزیسیون مرفعی و انقلابی ایران باید بتواند خود را برای یک رودرروئی گسترده در آینده‌ای دورتر آماده سازد و این آمادگی از همین امروز باید آغاز شود. ■

۱. شاه‌رخ

زیر نویس‌ها

- ۱- فراموش نکنیم که عقاید بسیاری از کارگزاران رژیم تابع شرایط زمان است. بنا بر این اکثریت کنونی مجلس میتواند در آینده و در شرایطی دیگر تغییر یابد. نگاهی به موضع‌گیری‌های نمایندگان مجلس در دوره‌های گذشته، نشان‌دهنده‌ی سیال بودن نظرات کسانی است که حفظ موقعیت و مقامشان برای آنها از هر عقیده‌ای مهم‌تر است.
- ۲- سید احمد خمینی، ظاهراً بعد از اعلام مراتب دست‌نویسی خود بعهده آستان رهبر جدید، اخیراً پستی بعنوان نماینده رهبر در شورای عالی امنیت ملی گرفته است. جالب‌آما دلیلی است که خامنه‌ای در نامه انتصاب او به این سمت تصریح کرده است که او و حسن روحانی نماینده دیگر، بعد از کسب تکلیف از وی در این مجمع میتوانند اظهار نظر کنند و آنچنانکه مرسوم است نماینده تام‌الاختیار نیستند.

۳- همانطور که در شماره قبل رهایی اشاره شد خامنه‌ای و رفسنجانی هر یک دارای نظریات و باند‌های خود هستند. اکنون نیز هر یک در فرصت‌های مناسب افراد خود را در پست‌های مختلف منصوب می‌کنند و این درارگان‌هایی همچون رادیو و تلویزیون اشکالاتی هم ایجاد کرده است. خامنه‌ای و

رفسنجانی در مقابل رادیکالها موقوف یکدیگرند ، ولی ضمنا هر یک می -
کوشد موقوفین بیشتری را دست و پا کند تا در موقع لزوم بهتر بتواند در
مقابل دیگری ایستادگی کند . از اینجا است برخی موضعگیریهای ظاهر را
" غیر متعارف " خا منهای .

۴- هادی غفاری مسئولیت بنیادی بنام الهادی را دارنده دردورهی
نخست وزیر موسوی و با استفاده از امکانات دولت و موسسات
تحت پوشش آن و از جمله بنیاد مستضعفان ، شرکت وداد و ... به
سودهای چند میلیون تومانی دست یافته است . فراموش نکنیم که
عامل اصلی استیضاح رفیق دوست در تابستان سال ۶۷ هادی غفاری
بود و اکنون در راس بنیاد مستضعفان خود را برای انتقام
آماده میسازد .

۵- درگیری بین مردم و پاسداران کمیته در انبار غله تهران ، بر سر
خرید سیب زمینی که به نرخ پایین تر از نرخ آزاد و بیشتر از نرخ
دولتی عرضه میشد ، نمونه کوچکی از آمادگی مردم برای اعتراض
به شرایط موجود است . شبیه به این درگیریها بر سر مسئله
سیب زمینی بین ما موران حکومتی و تولیدکنندگان یا صاحبان
سیب زمینی در شهرهای کوچک مثل همدان نیز اتفاق افتاده است .

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی